

The methodology of Martyr Sayyed Muhammad Baqer al-Sadr in analyzing the social and political history of the Ahl al-Bayt

Dad Mohammad Amiri¹ 

1. Associate Researcher, Ahl al-Bayt Studies Group in the International Field, Imam Reza International Research Institute, Al-Mustafa University, Mashhad, Iran Email: Dma1359@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received 20 October 2024

Received in revised form

20 December 2024

Accepted 6 January 2025

Available online 25 March
2025

Keywords:

Transoxiana,

Bukhara,

Samanids,

Economic Prosperity

ABSTRACT

This research with the aim of achieving a systematic model in social and political research on the history and sira of the Ahl al-Bayt attempts to extract and present as a model the method of analyzing the socio-political issues of the Ahl al-Bayt by investigating and researching the works of Martyr Sayyed Muhammad Baqer al-Sadr. In the process of this research, the researcher has tried to first explain the approach of Martyr Sadr in analyzing the socio-political history of the Ahl al-Bayt based on his written works, relying on library data and computer systems, after collecting, categorizing, analyzing and describing them accurately, and then inferring his method in this approach. Martyr Sadr's approach in analyzing the sira of the pure Imams is a holistic approach. In the holistic approach, the entire history of the Ahl al-Bayt is seen as an interconnected whole, and various incidents and events are analyzed and interpreted based on it. This method makes the scattered and seemingly incoherent details meaningful and coherent in proportion to the whole. Martyr Sadr's method in this approach focuses on four steps: "character study of the infallible and prominent individuals who were contemporaries of the infallible", "sociology of the infallible era", "discovery of the common mission of the pure Imams", and "inference and presentation of a practical model".

Cite this article: Last Name, Initial., Last Name, Initial., & Last Name, Initial. (2025). The methodology of Martyr Sayyed Muhammad Baqer al-Sadr in analyzing the social and political history of the Ahl al-Bayt. *Historical Studies of the Islamic World*, 13 (36), 111-144. <https://doi.org/10.22034/mte.2023.16363.1733>



The Author(s).

Publisher: Al-Mustafa International University.

DOI: <https://doi.org/10.22034/mte.2023.16363.1733>

روش‌شناسی شهید سید محمدباقر صدر در تحلیل تاریخ سیاسی اجتماعی اهل بیت علیهم السلام

دادمحمد امیری^۱

۱. پژوهشگر همکار گروه اهل بیت پژوهی در عرصه بین‌الملل، پژوهشکده بین‌المللی امام رضا علیه السلام، جامعه المصطفی

العالمیة، مشهد، ایران رایانامه: Dma1359@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

این پژوهش با هدف دستیابی به الگوی روشمند در پژوهش‌های اجتماعی و سیاسی تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام سعی دارد با تتبع و تحقیق آثار شهید سید محمدباقر صدر، روش وی در تحلیل موضوعات سیاسی اجتماعی اهل بیت علیهم السلام استخراج و به عنوان یک الگو ارائه کند. در فرایند این پژوهش سعی محقق بر آن بوده است با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای و سامانه‌های رایانه‌ای، پس از جمع‌آوری، دسته‌بندی مباحث، تحلیل و توصیف دقیق آن‌ها، ابتدا رویکرد شهید صدر در تحلیل تاریخ سیاسی اجتماعی اهل بیت علیهم السلام بر اساس آثار مکتوب وی تبیین شود؛ سپس روش او در این رویکرد استنباط گردد.

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۴/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۵

کلیدواژه‌ها:

ماوراء النهر،

بخارا،

سامانیان،

رونق اقتصادی.

رویکرد شهید صدر در تحلیل سیره ائمه اطهار علیهم السلام رویکرد کل‌نگر است. در رویکرد کل‌نگر همه تاریخ اهل بیت علیهم السلام به‌مثابه یک کل به‌هم‌پیوسته دیده می‌شود و حوادث و رویدادهای مختلف بر اساس آن تحلیل و تفسیر می‌شود. این روش جزئیات متفرق و به‌ظاهر ناهماهنگ را در تناسب با کل معنادار و منسجم می‌سازد. روش شهید صدر در این رویکرد، تمرکز روی چهار گام «شخصیت‌شناسی معصوم و افراد شاخصی که با معصوم هم‌عصر بوده‌اند»، «جامعه‌شناسی دوران معصوم» «کشف رسالت مشترک ائمه اطهار علیهم السلام» «استنباط و ارائه الگوی عملی» است.

استناد: امیری، دادمحمد (۱۴۰۴). روش‌شناسی شهید سید محمدباقر صدر در تحلیل تاریخ سیاسی اجتماعی اهل بیت علیهم السلام. *مطالعات*

<https://doi.org/10.22034/mte.2023.16363.1733>. ۱۱۱-۱۴۴، (۳۶)، ۱۳. *تاریخی جهان اسلام*



© نویسندگان.

ناشر: جامعة المصطفی (ص) العالمیة.

۱- مقدمه

یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین مباحث در پژوهش‌ها برای رسیدن به خلاقیت و نظریه‌پردازی، موضوع روش‌شناسی در تحقیقات علمی است. روش‌شناسی راهی برای رسیدن به معرفت ژرف‌کاوانه و تکاپویی روشمند برای نظریه‌پردازی است و می‌تواند ما را به معیاری عمیق و دقیق که راهگشای مشکلات در عرصه‌های علوم اسلامی - انسانی است، راهبری کند.

از جمله موضوعاتی که نیاز به روش‌شناسی دارد، منظومه فکری شهید سید محمدباقر صدر در تحلیل تاریخ سیاسی - اجتماعی اهل بیت علیهم السلام است. شهید صدر یکی از نوابغ و متفکران نواندیش جهان اسلام است که تبیین و تفسیری نو برای مفاهیم و مقولات کهن علوم اسلامی ارائه داده است. وی بخش‌هایی از دیدگاه‌های پیشگامان علوم اسلامی در علوم مختلف را بازسازی نموده و تحلیل تازه‌ای برای پدیده‌ها از منظر اسلام ارائه کرده است و بخش‌های پراکنده میراث علمی را در مجموعه‌های مختلف منظومه‌سازی کرده و راه‌های نوینی برای پژوهشگران معاصر گشوده است. وی معتقد بود که باید در درس حوزه‌های علمیه تحولی پدید آید و طلاب و روحانیون نباید فقط به درس‌های معمول فقه و اصول اکتفا کنند؛ بلکه باید به مسائل علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جدید آشنا شوند. این وسعت دید او باعث شد که علاوه بر «فقه» و «اصول» در حوزه‌های مختلف علوم مانند «فلسفه»، «اقتصاد»، «منطق»، «اخلاق»، «تفسیر» و «تاریخ» نیز آثار ارزشمندی، ابتکاری و کم‌نظیر ارائه دهد.

تحلیل‌ها و استنباط‌های جامع شهید صدر از سیره و تاریخ اهل بیت علیهم السلام نگاه ویژه‌ای است که نقش مهمی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی دارد. به عنوان مثال وی در تعطیلی‌های درسی به مناسبت درگذشت امامان علیهم السلام به بررسی ابعاد شخصیت و شرایط فعالیت امامان علیهم السلام می‌پرداخته تا از این رهگذر بینشی اصیل و در عین حال کاربردی و مؤثر از زندگی امامان علیهم السلام را در اندیشه جوان معاصر بیافریند؛ بینشی که زمینه پیروی از ائمه اطهار علیهم السلام را متناسب با نیازهای زمان، فراهم کند. (صدر، ۱۴۰۰، ص ۳۳ تا ۳۵) مطالعه و دقت در آثار تاریخی شهید صدر نشان می‌دهد که روش جامعی بر مطالعات تاریخی وی حاکم است؛ بر همین اساس نگارنده برای یافتن پاسخ این سؤال که «روش شهید سید محمد باقر صدر در تحلیل‌های سیاسی اجتماعی تاریخ اهل بیت علیهم السلام چیست؟» آثار تاریخی ایشان با محوریت موضوع اهل بیت علیهم السلام را مورد بررسی قرار داد. مهم‌ترین آثاری که در فرایند این تحقیق مبنای قرار گرفت، کتاب «ائمه اهل بیت علیهم السلام و دورهم فی تحصین الرسالة الإسلامية» و ترجمه آن تحت عنوان «امامان اهل بیت علیهم السلام مرزبانان حریم

اسلام» و جلد هجدهم و بیستم «موسوعة الإمام الشهيد السيد محمد باقر الصدر قدس سره» است.

نکته‌ای که در اینجا لازم به ذکر می‌باشد، این است که تمام «شواهد تاریخی» که در این مقاله آمده برگرفته از آثار شهید صدر است که نگارنده، این شواهد را با منابع تاریخی تطبیق داده و در متن مقاله سعی شده هم آدرس آثار شهید صدر و هم منابع تاریخی ذکر شود.

ادبیات پژوهش

روش‌شناسی

روش شامل مجموعه فرایندها، قواعد، ابزارها، فنون و راه‌هایی است که انسان را هنگام بررسی و پژوهش به کشف مجهولات هدایت می‌کند. (ساروخانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۴) روش‌شناسی در مفهوم مطلق خود به روش‌هایی گفته می‌شود که برای رسیدن به شناخت علمی از آن‌ها استفاده می‌شود و روش‌شناسی هر علم نیز روش‌های مناسب و پذیرفته آن علم برای شناخت هنجارها و قواعد آن است. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۴، ص ۷) پارسانیا در تبیین تفاوت روش و روش‌شناسی می‌نویسد:

«روش مسیری است که برای تحصیل یک معرفت، طی می‌شود. با آن که اغلب، روش هویتی آگاهانه و معرفتی دارد؛ ولی غیر از روش‌شناسی است. روش‌شناسی نوعی معرفت درجه دوم است که از نظر به روش‌های معرفتی پدید می‌آید؛ بنابراین، روش‌شناسی معرفتی است که موضوع آن روش است. این معرفت همانند دیگر انواع معرفت همان گونه که از موضوع خود تأثیر می‌پذیرد، از عوامل دیگری که در تعیینات معرفت دخیل هستند، نظیر عالم، هدف و همچنین زمینه‌های احساسی به‌خصوص معرفتی روش‌شناسی رنگ می‌گیرد.» (پارسانیا، ۱۳۸۸، ص ۴۰ و ۴۱)

بنابراین، روش‌شناسی با لحاظ مبانی فلسفی و هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی خود و بر اساس و به تناسب نظریاتی که در دامنه یک علم پذیرفته است، روش خاصی را شناسایی یا توصیه می‌کند. روش‌شناسی، با دلایل و علل مختلف عاطفی و گرایشی یا علمی و یقینی، می‌تواند به مبانی و نظریات مزبور رسیده باشد. (همان) براین اساس منظور ما از روش در این پژوهش مجموعه فرایندها، قواعد، ابزارها، فنون و راه‌هایی است که شهید صدر هنگام بررسی و پژوهش در تاریخ سیاسی و اجتماعی اهل بیت علیهم‌السلام به کار برده است و از آنجاکه موضوع روش‌شناسی روش‌ها است؛ در این تحقیق سعی ما شناخت و به‌دست‌آوردن روش شهید صدر در تحلیل تاریخ سیاسی اجتماعی اهل بیت علیهم‌السلام است.

پیشینه تحقیق

از آنجا که این تحقیق با دو موضوع «روش‌شناسی شهید صدر» و «تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی شهید صدر» مرتبط است، پیشینه این بحث در دو محور مذکور بررسی شد. در محور نخست آثار «مقایسه روش‌شناسی شهید صدر و ایزوتسو»، (یوسف‌زاده، نظری، ۱۳۹۴، ۱۱ تا ۳۷) «روش‌شناسی شهید صدر در اقتصاد اسلامی؛ از نگاهی دیگر»، (معرفی محمدی، ۱۳۹۳، ص ۹۵ تا ۱۱۸) «روش‌شناسی شهید صدر درباره شکل‌گیری علم اقتصاد و تحقیق‌نهایی درباره آن»، (نظری، ۱۳۸۸، ص ۵۱ تا ۶۲) «روش‌شناسی استنادات شهید صدر در اقتصادنا»، (قاسمی اصل، ۱۳۹۹، ص ۵۸ تا ۷۱) «روش‌شناسی فقه نظریات اقتصادی از منظر شهید صدر»، (نظری، خطیبی، ۱۳۹۲، ص ۵ تا ۲۸) «تمایز روش‌شناسی مکتب و علم اقتصاد اسلامی با تأکید بر اندیشه شهید صدر» (توکلی، ۱۳۹۵، ص ۴۹ تا ۶۸) «نقد روش‌شناسی اقتصاد اسلامی شهید صدر از دیدگاه واقع‌گرایی انتقادی» (امیری طهرانی زاده، افروغ، ۱۳۹۳، ص ۷ تا ۳۲) و در محور دوم آثار «جامعه ما: در اندیشه و آثار شهید سید محمدباقر صدر (ره)»، (حکیم، ۱۳۹۹)، «بررسی مسئله اجتماعی از دیدگاه شهید محمدباقر صدر»، (کلانتری، مهدی‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۱ تا ۱۶) «مبانی و مبادی اندیشه سیاسی شهید صدر»، (پور فرد، ۱۳۸۷، ص ۱۵۵ تا ۱۸۴) «نظریه انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی شهید صدر»، (جمشیدی، ۱۳۹۱، ص ۷۷ تا ۱۰۸) «نظریه سیاسی شهید سید محمدباقر صدر»، (حمدانی، طالب ۱۳۹۵) بررسی شد و به دست آمد که هیچ‌کدام به موضوع «روش‌شناسی شهید صدر در تحلیل سیاسی - اجتماعی تاریخ اهل‌بیت علیهم‌السلام» نپرداخته است. در آثار دسته اول روش‌شناسی است؛ ولی روش‌شناسی در موضوعات اقتصادی شهید صدر است نه «تحلیل‌های اجتماعی و سیاسی تاریخ اهل‌بیت علیهم‌السلام». در آثار دسته دوم تحلیل‌های اجتماعی و سیاسی شهید صدر بیان شده؛ اما به روش‌شناسی پرداخته نشده است؛ بنابراین «روش‌شناسی شهید صدر در تحلیل تاریخ سیاسی - اجتماعی اهل‌بیت علیهم‌السلام» موضوعی است که تاکنون کار نشده است و می‌تواند راهگشای افق‌های جدید برای پژوهشگران باشد.

جایگاه شهید صدر در مطالعات و پژوهش‌های تاریخی

شناخت بسیاری از دانش‌های انسانی به شناخت ابعاد تاریخی آن بستگی دارد و پژوهشگران بدون آشنایی با پیشینه و ساختار گذشته آن نمی‌توانند در باب آن دانش قضاوت کنند. شهید سید محمدباقر صدر از جمله محدود متفکران جهان اسلام است که به تاریخ نگاه ویژه‌ای داشت و ضرورت آن را احساس می‌کرد و با پیروی از راه بزرگانی چون: محمدجواد مغنیه، سید محسن

امین، کاشف الغطاء، علامه امینی و... برای احیای تاریخ در حوزه‌ها کوشش کرد. (رضوی، ۱۳۷۶، ش ۷۹، ص ۲۲۹ و ۳۰) وی به تاریخ به‌مثابه رکنی اساسی در دایره علوم حوزوی می‌نگریست و بخشی از عمر با برکتش را به بررسی مسائل تاریخی اختصاص داد. عرصه تاریخ در نگاه شهید همه مسائل علوم اسلامی مانند عقاید، اخلاق، فقه و... را در بر می‌گیرد و معتقد بود که پژوهش هر یک از اینها بدون بررسی زوایای تاریخی آنها پذیرفتنی نیست. (همان) همین نگاه به تاریخ است که شاهد آثار متنوعی با محوریت تاریخ مانند «فدک فی التاریخ»، «ائمہ اهل بیت (ع) و دورهم فی تحصین الرساله الاسلامیه»، «قوانین تحکم التاریخ»، «صیغ السنن التاریخیه»، «التشیع و الاسلام»، «حساب الأمة»، «عناصر المجتمع»، «إجتماعنا» «المثل العلیا»، «حقائق المجتمع»، «مصیر الأمم»، «محنة الأمم» از وی هستیم. (دایرة المعارف الامام الشهید السید محمد باقر الصدر قدس سره الاصدار الثانی، ۱۳۹۵)

کتاب «فدک فی التاریخ» از نخستین آثار شهید صدر است. انگیزه وی از نگارش این کتاب ساده گذشتن مورخان معاصر از موضوع فدک بود. شهید صدر در این باره می‌نویسد:

«در حالی این کتاب (فدک فی التاریخ) را می‌نویسم که کتاب «فاطمه و فاطمیون» نوشته استاد محمد عقاد پیشروی من است. با اشتیاق سراغ این اثر رفتم تا بنگرم وی درباره این موضوع حساس تاریخی چه نوشته است. من بر این بودم که روزگار تعصب و تعبد بر روش پیشینیان و پرهیز از طرح عمیقانه مسائل تاریخی و مذهبی سپری شده و موضوع با روشن‌بینی در بوته تحقیق و بررسی قرار گرفته است؛ ولی افسوس که دیدم عقاد از این موضوع بااهمیت به‌سادگی گذشته و مطالب را در چند سطر خلاصه کرده است...» (صدر، ۱۴۰۰، ج ۱۸، ص ۴۲ و ۴۳)

تحلیل‌های علمی شهید صدر در این کتاب به‌گونه‌ای بود که باعث تحسین علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین - نویسنده کتاب المراجعات - شد و پس از مطالعه این کتاب درباره شهید صدر می‌گوید: «**أشهد بالله أنه مجتهد**؛ به خدا سوگند که او مجتهد است». (عاملی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۲۲۵)

۲. رویکرد شهید صدر در تحلیل تاریخ اهل بیت علیهم السلام

قبل از بررسی روش شهید صدر در تحلیل تاریخ اهل بیت علیهم السلام لازم است، نگاهی به رویکرد ایشان در این موضوع داشته باشیم. شهید صدر با نگاه تحلیلی به مباحث تاریخی می‌پردازد. روش او تحلیل و نظریه‌پردازی تاریخی برای تولید نظریه جدید و استنباط الگوی عملی برای جامعه است. شهید صدر هنگامی که با این نگاه، تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام را بررسی می‌کند، به دو رویکرد اشاره می‌کند؛ رویکرد نخست نگاه جزءنگر به تاریخ اهل بیت

علیهم السلام است که در آن تاریخ و سیره هر معصوم به گونه فردی و جزئی - بدون در نظر گرفتن رسالت مشترک معصومان علیه السلام - بررسی می شود. رویکرد دوم نگاه کل نگر به عملکرد و سیره اهل بیت علیه السلام است که در آن زندگی همه ائمه علیه السلام به عنوان یک کل به هم پیوسته و یک حرکت واحد در نظر گرفته می شود. بر اساس هر کدام از این دو رویکرد، داده ها متفاوت خواهد بود.

داده ها در سطح رویکرد جزء نگر

تحقیق و مطالعه سیره و تاریخ جداگانه هر معصوم و آگاهی از شرایط اجتماعی دوره ای که امام علیه السلام در آن می زیسته، امر لازم و ضروری است و بدون آن نمی توان رسالت و هدف مشترک ائمه اطهار علیه السلام را کشف نمود؛ اما اگر این روش به عنوان یک رویکرد اتخاذ گردد، به طوری که تاریخ و عملکرد یک معصوم - بدون در نظر گرفتن تاریخ سایر معصومان علیه السلام - مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد، رویکردی ناقصی است که منجر به «دیدن تعارض هایی در زندگی امامان علیه السلام» و «نگاه سلبی به سیره و عملکرد معصومان علیه السلام» می شود.

تعارض در عملکرد امامان علیه السلام

در رویکرد جزء نگر به تفاوت ها و ناهمخوانی هایی در رفتار و تناقض هایی شکلی میان نقش های امامان علیه السلام بر خواهیم خورد. به عنوان مثال حضرت علی علیه السلام با معاویه مبارزه می کند؛ امام حسن مجتبی علیه السلام با معاویه صلح می کند. امام حسین علیه السلام با یزید می جنگد و شهید می شود. ظاهر زندگی امام سجاد علیه السلام گوشه گیری و آکنده از دعا و مناجات با خداوند متعال است. زندگی امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام به تمام معنی همراه با نشر علم، حدیث و فقه است و نمونه های دیگر که در ظاهر ارتباط و پیوندی بین آن ها دیده نمی شود. (صدر، ۱۴۲۵ ق، ص ۵۴)

ارائه تصویر سلبی از سیره سیاسی - اجتماعی معصومان علیه السلام

در رویکرد جزء نگر هنگامی که تاریخ هر معصوم جدای از سایر معصومان علیه السلام در نظر گرفته شود، این پندار شکل می گیرد که امامان علیه السلام اشخاص مظلومی بودند که از مرکز رهبری کنار زده شده اند و امت هم این برکنار شدن آنان را پذیرا شدند. در نتیجه، این تفکر شکل می گیرد که نقش امامان علیه السلام به عنوان الگوهای عملی جامعه به سبب کنار زده شدن از عرصه حکومت بیشتر نقش سلبی بوده و حال ایشان حال مالکی بوده که ملکش را غصب کرده اند و دیگر امیدی به پس گرفتن آن ندارد. این طرز تفکر باعث می شود که کناره گیری،

انزوا و موضع سلبی و انفعالی در برابر مشکلات امت، به‌عنوان یک امر مطلوب و پسندیده در جامعه اسلامی نهادینه شود. (همان، ص ۵۶ و ۵۷)

شهید صدر معتقد است که یکی از ضرورت‌های اهل‌بیت پژوهی در دوران معاصر اثبات نادرستی این تفکر است و باید با رویکرد علمی کل‌نگر به زندگی امامان علیهم‌السلام نشان داده شود که آنان در راستای رسالت خود، عملکردی ایجابی داشته‌اند و روشن‌سازی شود که ائمه اطهار علیهم‌السلام در پاسداری از رسالت و عقیده خود نقش فعال و مشترکی را ایفا کرده‌اند. (همان، ص ۵۷)

داده‌ها در سطح رویکرد کل‌نگر

در رویکرد کل‌نگر همه تاریخ اهل‌بیت علیهم‌السلام به‌مثابه یک کل دیده می‌شود و حوادث و رویدادهای مختلف بر اساس آن تحلیل و تفسیر می‌شود. شهید صدر با تتبع و تحقیق آثار مورخان موثق - که جزئیات تاریخ اهل‌بیت علیهم‌السلام را لحظه‌به‌لحظه ثبت کرده‌اند - تلاش نموده بخش‌های مختلف تاریخ اهل‌بیت علیهم‌السلام را بررسی کند و شاخصه‌ها، جلوه‌ها و نقش‌های مشترک و هماهنگ اهل‌بیت علیهم‌السلام را استنباط و در دیدگاهی کل‌نگر ارائه دهد؛ به‌گونه‌ای که همه تاریخ امامان علیهم‌السلام را به‌عنوان یک کل به‌هم‌پیوسته ببیند و جزئیات متفرق و به‌ظاهر ناهماهنگ را در ذیل خودش معنادار و منسجم سازد. این رویکرد، صرفاً کنار هم قراردادن حوادث تاریخی نیست؛ بلکه حوادث تاریخی کنار هم چیده شده را به‌گونه‌ای واکاوی و تحلیل می‌کند که رویکرد کل‌نگر نسبت به سیره و تاریخ اهل‌بیت علیهم‌السلام را به‌گونه معقول و منطقی ارائه می‌دهد تا پژوهشگر بتواند بر اساس آن بخش‌های نا‌هویدا، ناگفته‌های تاریخ و ارتباط حوادث با هم را کشف کند و از دل این رویکرد قواعد کلی‌ای را استخراج کند تا جایگاه و نقش الگویی ائمه اطهار علیهم‌السلام برای امروز ما روشن شود. این رویکرد روشن‌سازی می‌سازد، تفاوت‌هایی که در سیره و عملکرد فرد امامان علیهم‌السلام دیده می‌شود، مربوط به اختلاف زمان و شرایط اجتماعی گوناگون و دشواری‌هایی بوده که هر امام با آن روبه‌رو بوده و در آن موقعیت قرار داشته است. (صدر، ۱۳۹۴، ص ۱۲۰ تا ۱۲۲)

مهم‌ترین دستاورد در رویکرد کل‌نگر «ارائه تصویر ایجابی از سیره سیاسی و اجتماعی امامان علیهم‌السلام» است. این تصویر، روشن‌سازی می‌سازد، گرچه امامان علیهم‌السلام از سوی حاکمان و قدرتمندان از حکومت کنار زده شدند؛ ولی هیچ‌گاه انفعال و گوشه‌نشینی را اختیار نکردند و نقش کاملاً ایجابی و فعالی در جامعه داشتند که باعث تحرک پیروان بوده است.

در اینجا شاید این اشکال به ذهن خطور کند که پرهیز از رویکرد جزء‌نگر و تأکید بر رویکرد

کل نگر برای حفظ باورهایی مانند عصمت و علم غیب امامان است. معتقدین به عصمت و علم غیب امامان برای توجیه و فرار از تناقض‌های سیره و عملکرد امامان - که در منابع متعدد انعکاس یافته - می‌خواهند با برجسته کردن اصول بسیار کلی و عمومی ذهنیت جامعه و نخبگان را از تناقض‌ها و تعارض‌های انعکاس یافته در منابع منحرف نمایند.

در پاسخ باید گفت که اولاً شهید صدر تأکید می‌کند، ما درصدد رد و انکار رویکرد جزءنگر نیستیم؛ بلکه آن را مقدمه ضروری رویکرد کل نگر می‌دانیم:

«ولا ارید بهذا (النظرة الکلیّة) أن نرفض دراسة الأئمة علی أساس النظرة التجزیبیّة، أی: دراسة کلّ إمام بصورة مستقلة، بل إنّ هذه الدراسة التجزیبیّة نفسها ضروریة لإنجاز دراسة شاملة للأئمة ککل؛ إذ لا بدّ لنا أولاً أن ندرس الأئمة بصورة مجزأة، ونستوعب - إلى أوسع مدى ممکن - حياة کلّ إمام، بکلّ ما تزخر به من ملامح وأهداف ونشاط، حتّى نتمکّن بعد هذا أن ندرسهم ککل، ونستخلص الدور المشترك للأئمة جميعاً، وما یعتبر عنه من ملامح وأهداف وترابط؛ با این سخن (رویکرد کل نگر) نمی‌خواهم بررسی زندگی امامان را از دیدگاه جز نگر یعنی مطالعه جداگانه هر امام رد کنم؛ بلکه این بررسی جزءنگر نیز خود برای انجام بررسی کل نگر از امامان به عنوان یک کل بایسته است. چرا که ناگزیر باید در آغاز امامان را جداگانه به گونه ای بررسی کنیم که گسترده ترین برد ممکن از زندگی هریک را با همه نشانه‌ها و هدف‌ها و فعالیت‌های انبوهش دربرگیرد تا پس از آن بتوانیم همه را همچون یک کل بررسی کنیم و نقش مشترک همه ایشان و نشانه‌ها و هدف‌ها و همبستگی را که این نقش مشترک حاکی از آن است کشف و استنباط کنیم.» (صدر، ۱۴۲۵ق، ص ۵۴)

ثانیاً رویکرد کل نگر به هیچ وجه تناقض‌ها را مخفی یا انکار نمی‌کند؛ بلکه با کشف نقش مشترک امامان، تبیین منطقی و قانع‌کننده‌ای از تناقضات ارائه می‌گردد که دیگر تناقض محسوب نمی‌شود. به عبارت دیگر بدون کشف رسالت مشترک ائمه برخی از رفتارها و عملکرد امامان تناقض به نظر می‌رسد، همین تناقضات هنگامی که با هدف و نقش مشترک ائمه اظهار - که با رویکرد کلی به دست آمده - سنجیده شود، تناقض بودن آن از بین می‌رود. شهید صدر در این باره می‌فرماید:

«وأما علی المستوى الثانی (النظرة الکلیّة) حينما نحاول اكتشاف الخصائص العامّة والدور المشترك للأئمة ککل، فسوف تزول کلّ تلك الاختلافات والتناقضات؛ لأنّها تبدو - علی هذا المستوى - مجرد تعابیر مختلفة عن حقيقة

واحدة، وإنما اختلف التعبير عنها وفقاً لاختلاف الظروف والملايسات التي مز بها كل إمام وعاشتها القضية الإسلامية والشيعية في عصره عن الظروف والملايسات التي مزّت بالرسالة في عهد إمام آخر؛ وقتی در سطح دوم (رویگرد کل نگر) می‌کوشیم تا ویژگی‌های عمومی و نقش مشترک امامان به عنوان یک کل را کشف کنیم، تمامی آن تناقض‌ها از میان خواهد رفت؛ زیرا نگرش در این سطح آشکار می‌سازد که این تفاوت‌ها و تناقض‌ها تعبیرهای گوناگون از حقیقتی یگانه هستند و این گوناگونی تعبیرها تنها از آن‌رو رخ نموده که شرائط و ملزومات هر امام و نیز قضایای اسلامی و شیعی در دوره هر امام با شرائط و ملزومات امام دیگر تفاوت داشته است.» (همان)

ارائه تصویر ایجابی از سیره سیاسی و اجتماعی امامان علیهم‌السلام

شهید صدر معتقد است که بررسی تاریخ ائمه اطهار علیهم‌السلام با رویکرد کل‌نگر تصویر ایجابی از سیره سیاسی و اجتماعی امامان علیهم‌السلام در اختیار ما قرار می‌دهد که بر اساس آن «حفظ کیان اسلامی از انحراف» و «هدایت و رهبری جامعه» از اساسی‌ترین اهداف امامان علیهم‌السلام بوده است.

- حفظ کیان اسلامی از انحراف

دقت در تاریخ سیاسی و اجتماعی اهل بیت علیهم‌السلام بیانگر نقش ایجابی و فعال آنان در «حفظ کیان اسلامی از انحراف» است. شهید صدر معتقد است که امامان علیهم‌السلام علی‌رغم برکنار شدن از عرصه حکومت، همواره مسئولیت خود را در حفاظت از اصول و ارزش‌های اصیل اسلامی عهده‌دار بودند و مراقب بودند تا جامعه اسلامی در ورطه انحراف و نابودی فرو نرود. (صدر ۱۳۹۴، ص ۱۲۴) باتوجه به نقش رهبران و حاکمان جامعه در اصلاح و فساد مردم (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق، ص ۵۰) امامان علیهم‌السلام با دقت رفتار و عملکرد حاکمان و جریان‌های فکری خطرناک را در زیر نظر داشتند و در صورت انحراف و کژروی عکس‌العمل مناسب نشان می‌دادند.

اقدامات ائمه اطهار در مواجهه با انحراف حاکمان

۱. بازداشتن حاکم از کژروی: شهید صدر در تبیین این نقش معصوم به جریانی اشاره می‌کند (صدر ۱۴۳۴ ق، ج ۱۸، ص ۳۹) که در آن خلیفه دوم بر منبر رفت^۱ و پرسید: اگر از

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَحَا صَلَحَتِ أُمَّتِي وَإِذَا فَسَدَا فَسَدَتِ أُمَّتِي قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ هُمَا قَالَ الْفُقَهَاءُ وَالْأَمْرَاءُ.

۲. لو صرفناكم عمّا تعرفون إلى ما تنكرون ما كنتم صانعين؟ إذن كنا نستطيعك فإن تبت قبلناك، فقال عمر: وإن لم؟

احکام دینی که با آن آشنا هستید، دست بردارم و مسائلی را مطرح کنم که در اسلام نباشد، چه خواهید کرد؟ خلیفه دوم تا سه بار سؤال خود را تکرار کرد؛ اما کسی پاسخ نداد. امام علی علیه السلام که آن وضع اسفبار را شاهد بود، برخاست و فرمود: تو را به توبه کردن وادار می‌کنیم. خلیفه گفت: اگر توبه نکنم؟ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: در آن هنگام بین دو چشم تو را با شمشیر می‌زنیم.» (صدر، ۱۴۲۵ق، ص ۵۸)

این پاسخ امام نشان می‌دهد که ائمه اطهار در مواجهه با انحراف حاکمان موضع ایجابی داشته‌اند. (همان)

به اقتضای دوره‌ای که امام معصوم علیه السلام در آن می‌زیسته، اگر انحراف حاکم به اندازه‌ای بوده که منجر به نابودی اسلام می‌شد، اقدام امام علیه السلام هم به مقتضای آن متفاوت بود؛ هرچند به قیمت رویارویی مسلح با حکومت و شهادت در راه آشکارسازی حقیقت اسلام و در هم شکستن برنامه‌های حاکم منحرف باشد، هم چنان که امام حسین علیه السلام با یزید کرد. (صدر ۱۴۳۴ ق، ج ۲۰، ص ۴۶۷)

۲. حفظ کرامت امت اسلامی: هنگامی که خطراتی متوجه کرامت امت اسلامی بود و حکومت از یافتن راه حل برای آن عاجز می‌شد، امام معصوم علیه السلام راه حل‌های مناسبی را در اختیار حاکم قرار می‌داد. شهید صدر در این باره به دو نمونه که در منابع تاریخی ذکر شده (ابن عبد ربّه، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۷۳؛ بیهقی، ۱۴۲۰ ق، ص ۳۴۲) اشاره می‌کند:

نمونه اول جریانی است که در آن عبدالملک بن مروان (ح ۶۵ - ۸۶ ق) برای پاسخ دادن به نامه تهدیدآمیز قیصر روم، دست به دامن امام زین العابدین علیه السلام شد و حضرت نیز پاسخ وی را به گونه‌ای داد که موجب حیرت و شگفتی قیصر شد و اذعان کرد که این کلام، از گفتار نبوت نشئت گرفته است. نمونه دیگر چالشی بود که درباره نقدینگی و ضرب سکه از سوی پادشاه روم برای عبدالملک روی داد و او در این زمینه سردرگم و ناتوان بود. در این دوره امام باقر علیه السلام مهم‌ترین شخصیتی بود که در سطح پاسخ دادن به این چالش قرار داشت و برای حفظ کرامت امت و اسلامی و استقلال در نقدینگی برنامه‌ای ارائه کرد.^۱ (صدر، ۱۴۲۵ق، ص ۵۸ و ۵۹)

قال: نضرب عنقك الذي فيه عينك، فقال عمر: الحمد لله الذي جعل في هذه الامة من إذا عوججنا أقام أودنا.

زنجشیری، ۱۴۱۲ ق، ج ۳، ص ۱۵؛ خوارزمی، ۱۴۱۱ق، ص ۹۹

۱. وبكلمة مختصرة: كان الأئمة يحافظون على المقياس العقائدي والرسالي في المجتمع الإسلامي، ويحرصون على أن لا يهبط إلى درجة تشكّل خطراً ماحقاً، وهذا يعني ممارستهم جميعاً دوراً إيجابياً فعالاً في حماية العقيدة وتبني مصالح الرسالة والامة: الف. تمثّل (هذا الدور الإيجابي) في مجابهة المشاكل التي تهدد كرامة الدولة الإسلامية وتعجز الزعامات

بنابراین دقت در نقش ایجابی در رابطه با «انحراف حاکمان» روشن می‌سازد که کوشش امامان این بود که جامعه اسلامی بر نوامیس اسلام استوار بماند. بر همین اساس علی‌علیه‌السلام خلفا را از انحراف بازمی‌داشت و جلوی انحراف‌ها می‌ایستاد و امام حسین علیه‌السلام در راه حفظ اصول اسلام شهید شد و امام سجاد علیه‌السلام در زمانی که حکومت عبدالملک مروان در رفع مشکلی در برابر دولت روم فروماند به کمک او شتافت و امام باقر علیه‌السلام هشام بن عبدالملک (ح ۱۰۵-۱۲۵ق) را در موضوعی مربوط به حیثیت اسلام یاری رساند؛ همچنین ائمه‌علیه‌السلام با حکومت‌های ستم‌پیشه که چهره اسلام را کریه می‌ساختند و بد جلوه می‌دادند مبارزه می‌کردند و در این راه تا مرز شهادت پیش می‌رفتند. (صدر، ۱۳۹۶، ۱۲۸ تا ۱۳۳)

اقدامات ائمه اطهار در مواجهه با جریان‌های فکری خطرناک

یکی از اقدامات اساسی و بنیادین امامان معصوم علیهم‌السلام اصلاح بنیان‌های فکری مردم و سوق دادن فرهنگ جامعه به سوی آموزه‌های وحیانی بود. ائمه اطهار علیهم‌السلام همیشه رهبران جریان‌های انحرافی زیر نظر داشتند و به شکل‌های مختلف با آنان برخورد می‌کردند، در برخی مورد، برخورد فعال امام علیه‌السلام باعث می‌شد جریان فکری منحرف از همان ابتدا شکل نگیرد و پایه‌های فکری آن منهدم شود. شهید صدر در این زمینه به اقدام امام حسن عسکری علیه‌السلام (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ج ۴، ص ۴۲۴) اشاره می‌کند که از پروژه تألیف کتابی به قلم کندی پیرامون تناقضات قرآن در عراق آگاه شد و به وسیله برخی از منتسبان به مکتب کندی با او در ارتباط شد و این تلاش را بی‌فراجم نمود و مکتب کندی را قانع کرد که بر خطاست. (صدر، ۱۴۰۰ ق، ج ۲۰ ص ۱۱۴ ق)

رهبری جامعه اسلامی

دومین نقش ایجابی که در تاریخ سیاسی اجتماعی امامان علیهم‌السلام مشاهده می‌شود، رهبری جامعه اسلامی است. ائمه اطهار علیهم‌السلام با اینکه عملاً از عرصه سیاست و حکومت کنار زده شدند؛ ولی عملکردشان به گونه‌ای بود که پایگاه و مرجع امت اسلامی بودند. (صدر، ۱۳۹۴ ص ۱۲۹) شهید صدر در این زمینه نمونه‌هایی از سیره اهل بیت را ذکر می‌کند که به دو

المنحرفة عن حلتها: كما في المشكلة التي أحدثها كتاب ملك الروم إلى عبد الملك بن مروان؛ إذ عجز عبد الملك عن الجواب على الكتاب في مستواه، فملأ الإمام هذا الفراغ، وأجاب بالشكل الذي يحفظ للدولة كرامتها ولأمة الإسلام هيبته. ب. وتمثل (هذا الدور الإيجابي) أيضاً في إنقاذ الدولة الإسلامية من تحدي كافر يهدد سيادتها، كالتحدي الذي واجهه [عبد الملك] «۱» من الروم بشأن النقد، وعجز عن الرد عليه. وكان الإمام الباقر (عليه السلام) في مستوى الرد على هذا التحدي، فخطط للاستقلال النقدي. (صدر، ۱۴۲۵ ق، ص ۵۸ و ۵۹)

نمونه اشاره می‌کنیم:

الف. مورد اول دو نوع برخورد مردم در موسم حج در برابر هشام و امام زین العابدین علیه‌السلام است. (ابن عساکر، ۱۴۱۵ ق، ج ۴۱، ص ۴۰۰؛ ابن کثیر، ۱۳۹۸ ق، ج ۹، ص ۱۰۸) که شهید صدر درباره این رخ داد می‌فرماید:

«لاحظوا المناسبة الشهيرة التي أنشد فيها الفرزدق قصيدته في الإمام زين العابدين: كيف أن هيبة الحكم وجلال السلطان لم [يستطيعا] أن [يشقا] لهشام طريقا لاستلام الحجر بين الجموع المحتشدة من أفراد الأمة في موسم الحج، بينما استطاعت زعامة أئمة أهل البيت أن تكهرب تلك الجماهير في لحظة، وهي تحس بمقدم الإمام القائد، وتشق الطريق بين يديه نحو الحجر؛ به أن رويداد زبازد توجه کنيد که فرزدق در آن، قصیده‌اش را در شأن امام زین العابدین علیه‌السلام سرود. ببینید چگونه شکوه حکومت و جلال سلطنت نتوانست میان انبوه گردآمده از افراد امت در موسم حج، راه را بر هشام برای لمس حجر بگشاید، در حالی که نفوذ امامان اهل بیت علیهم السلام توانست در لحظه ای جمعیت را سوی خود کشد و آنگاه که مقدم امام پیشوا را حس کردند، راه را برای ایشان به سوی حجر گشودند.» (صدر، ۱۴۳۴ ق، ج ۲۰، ص ۱۱۴)

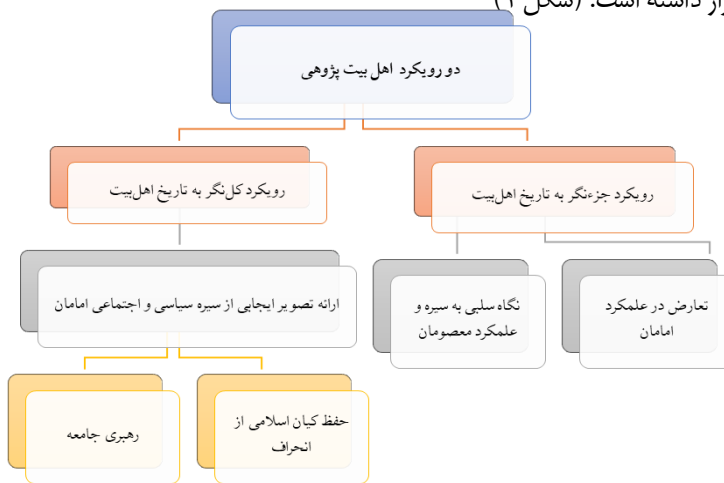
ب. مورد دوم، جریان گفتگوی هارون الرشید، با امام موسی بن جعفر علیه‌السلام است که در آن روزی هارون، وقتی که امام موسی بن جعفر علیه‌السلام را کنار کعبه دید، به او گفت: «تو هستی که مردم پنهانی با تو بیعت کرده تو را به پیشوایی برمی‌گزینند؟» (ابن حجر هیتمی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۵۹۰) شهید صدر به پاسخ امام کاظم علیه‌السلام اشاره نموده می‌فرماید:

«انظروا إلى الإمام موسى بن جعفر كيف يقول لهارون الرشيد: «أنت إمام الأجسام، وأنا إمام القلوب»... إن كل هذه النماذج والمظاهر للزعامة الشعبية التي عاشها أئمة أهل البيت على طول الخط تبرهن على إيجابيتهم، وشعور الأمة بدورهم الفعال في حماية الرسالة، ببيند چگونه امام موسی بن جعفر علیه‌السلام خطاب به هارون الرشید می‌گوید: تو امام جسم‌ها هستی و من امام دل‌ها هستم... این نمونه‌ها و نمادهای رهبری مردمی که امامان اهل بیت علیهم السلام در دوران خود با آن زیسته‌اند، برهانی بر ایجابی بودن (سیره) آنان و بر اینکه امت نقش فعال آنان را در حمایت از رسالت احساس می‌کردند، است.» (همان ص ۱۱۵ و ۱۱۶)

شهید صدر تأکید می‌کند که این مرجعیت و رهبری هرگز به‌طور اتفاقی و یا به‌صرف انتساب به رسول الله اکرم نبود - زیرا افراد زیادی به حضرت محمد ۹ منتسب بودند؛ اما هرگز از چنین

جایگاهی برخوردار نشدند - بلکه عملکرد معصوم به‌گونه‌ای بود فطرت پاک بشر را به خود جذب می‌کرد. (صدر، ۱۳۹۴ ص ۱۳۰)

بنابراین، داده‌ها در دو رویکرد کاملاً متفاوت است در رویکرد جزءنگر - به‌طوری‌که تاریخ و عملکرد یک معصوم بدون در نظر گرفتن تاریخ سایر معصومان علیهم‌السلام مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. - رویکردی ناقصی است که منجر به «دیدن تعارض‌هایی در زندگی امامان علیهم‌السلام» و «نگاه سلبی به سیره و عملکرد معصومان علیهم‌السلام» می‌شود؛ اما داده‌ها در رویکرد کل‌نگر «تصویر ایجابی از سیره سیاسی و اجتماعی امامان علیهم‌السلام» در اختیار ما قرار می‌دهد. این تصویر، روشن می‌سازد، گرچه امامان علیهم‌السلام از سوی حاکمان و قدرتمندان از حکومت کنار زده شدند؛ ولی هیچ‌گاه انفعال و گوشه‌نشینی را اختیار نکردند و نقش کاملاً ایجابی و فعالی در جامعه داشتند که باعث تحرک پیروان بوده است. همچنین این رویکرد روشن می‌سازد که در سیره و عملکرد ائمه اطهار علیهم‌السلام و هیچ‌گونه ناسازگاری و اختلافی وجود هم در نداشته است و تفاوت‌هایی که در زندگی فرد فرد ائمه علیهم‌السلام دیده می‌شود، مربوط به اختلاف زمان و شرایط اجتماعی گوناگون و دشواری‌هایی بوده که هر امام با آن روبه‌رو بوده و در آن موقعیت قرار داشته است. (شکل ۱)



شکل ۱. داده‌ها در دو رویکرد اهل‌بیت پژوهی

۳. روش شهید صدر در تحلیل تاریخ اهل‌بیت علیهم‌السلام

رویکرد کل‌نگر در اهل‌بیت پژوهی نگاه ژرف و بدیعی به سیره و تاریخ ائمه اطهار علیهم‌السلام است که افق‌های جدید و کاربردی را برای محققان و پژوهشگران روشن می‌سازد. روش شهید صدر در این رویکرد تمرکز روی چهار گام «شخصیت‌شناسی معصوم و افراد شاخصی که با معصوم

هم‌عصر بوده‌اند»، «جامعه‌شناسی دوران معصوم» و «کشف رسالت مشترک ائمه اطهار علیهم‌السلام» «استنباط و ارائه الگوی عملی» است.

گام اول: شخصیت‌شناسی

اولین گام در تحلیل تاریخ سیاسی اجتماعی اهل بیت علیهم‌السلام شخصیت‌شناسی معصوم و افراد شاخصی است که با معصوم هم‌عصر بوده‌اند. تا شخصیت معصوم و نوع تفکری او و افرادی که در آن دوره می‌زیسته‌اند را شناسیم، نمی‌توانیم تحلیل درستی از عملکرد آنان داشته باشیم.

شخصیت‌شناسی معصوم علیه‌السلام

انبیاء و امامان معصوم علیهم‌السلام الگوی انسان کاملی هستند که با نگرش توحیدی رسالتی دارند. در نگرش توحیدی، انسان تمام هستی را ملک مالک توانمندی می‌بیند که به گونه نامرئی، تدبیر و نظارت هستی با او است. این نگرش و باور جهت و مسیر انسان را مشخص می‌کند. تحلیل زندگی ائمه اطهار علیهم‌السلام فقط با فهم نگرش توحیدی امکان‌پذیر است. شهید صدر برای این نوع نگرش ویژگی‌هایی ذکر می‌کند (صدر، ۱۳۷۹، ص ۱۲۷) که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- ❖ ۱. انسان امانت‌دار الهی: این نگرش باعث شکل‌گیری احساسی در آدمی می‌شود که فقط خالق هستی را مالک می‌داند و نقش خود در این عالم را فقط امانت‌دار و جانشین می‌داند نه وجود اصیل و حکمران. انسان با این جهان‌بینی احساس می‌کند بار امانت و خلافت را بر دوش دارد؛ خلافتی که آدم علیه‌السلام بر عهده داشت و سپس فرزندان او در نسل‌های شایسته بعد از او بر عهده گرفتند.
- ❖ ۲. رفتار انسان مطابق با خواسته مالک هستی: وقتی انسان احساس می‌کند خلیفه و امانت‌دار است، این نگاه معنای دیگری نیز در دل دارد که ضرورت حرکت بر اساس برنامه مالک هستی است؛ زیرا امانت‌دار در راستای امانتی که بر عهده دارد، باید تصمیم‌های مالک را به اجرا درآورد. این همان معنای اقرار به بندگی است؛ یعنی اقرار به این که ساخت زندگی بشری در زمین و هم‌کنشی با هستی در تمام زمینه‌ها، باید بر اساس تصمیم‌هایی الهی باشد که از سوی آن مالک توانا ارائه شده است.
- ❖ ۳. رفتار انسان مسئولانه و ناظر به رسیدگی روز حساب: سومین ویژگی نگرش نخست این است که رفتار انسان مسئولانه و ناظر به رسیدگی روز حساب خواهد بود؛ زیرا این باور در او شکل می‌گیرد که مالک توانا از پشت پرده نظارت دارد، مسئولیت می‌آفریند و

مسئولیت حسابرسی و جزا در پی دارد. از طرفی حسابرسی و جزا وجود عالم دیگری را می‌طلبد تا نتایج این نظارت پنهان و عادلانه از سوی او به اجرا درآید.

❖ ۴. ترسیم اهداف بزرگ در زندگی: وقتی نگرش انسان نسبت به دنیا به‌گونه‌ای شکل بگیرد که آن را مزرعه آخرت ببیند. مسیر زندگی او به سمت اهداف بزرگ ترسیم می‌شود. به‌گونه‌ای که دیگر در بند اهداف دنیا محدود نخواهد شد؛ بلکه در سطح اهداف بزرگ به سر می‌برد. اهدافی که نمی‌تواند آن‌ها را به‌صورت کامل پیاده کرده و به پایان برساند و یا از آن‌ها بهره بگیرد؛ به‌عنوان مثال کسی که با تمام وجود درس خوانده و مرزهای علم و دانش را درنور دیده؛ اما پیش از تحقق نتیجه بمیرد، کسی که ندای حق را لبیک گفته برای جهاد فی سبیل الله به‌پاخاسته؛ اما پیش از چشیدن لذت پیروزی به شهادت برسد یا کسی که برای اصلاح جامعه تلاش کرده و در این راه آزار و شکنجه فراوان دیده و پیش از چشیدن طمع پیروزی جان خود را در این راه از دست بدهد؛ این‌گونه افراد در ظاهر به اهداف خود نرسیده‌اند؛ اما در نگاه توحیدی کسی با قصد هجرت در راه خدا از خانه خارج شود و آنگاه بمیرد، پاداش او بر عهده خداوند است. (نساء/ ۱۰۰) او نتوانسته این هدف بزرگ را برآورده سازد؛ اما گامی در راه تحققش برداشته است. برای چنین انسانی هیچ اهمیتی ندارد که آیا در گام نخست حرکتش می‌میرد یا در گام‌های بعد. مادامی که این راه را طی می‌کند، در کمال رضایت است. چراکه در هر مرحله‌ای جان دهد، پاداش او نزد خداوند متعال محفوظ است.

❖ ۶. معنا پیدا کردن ارزش‌های اخلاقی: در نگرش توحیدی که منجر به معادباوری می‌شود، ارزش‌های اخلاقی معنا پیدا می‌کنند. ارزش‌های اخلاقی همچون فداکاری، ایثار و ازخودگذشتگی اگر در راستای اهداف الهی نباشند؛ هیچ معنایی ندارند. (ر.ک: صدر، ۱۳۹۴، ص ۱۴۳ تا ۱۴۷)

شخصیت‌شناسی افراد شاخص دوران معصوم علیه‌السلام

منظور از شخصیت‌شناسی تمام افراد شاخصی هستند که در دوره هر معصوم می‌زیستند. این افراد در دو طیف قرار می‌گرفتند؛ برخی در همان خط فکری معصوم - یا نزدیک - به آن سیر می‌کردند و برخی دیگر در مقابل خط فکری معصوم - و نگرش توحیدی - قرار داشتند. از آنجا که این بحث، تحقیق و بررسی جداگانه‌ای را می‌طلبد؛ در اینجا فقط به دو نمونه از تحلیل‌های شهید صدر اشاره می‌شود:

خلفای ثلاثه

نخستین شخصیت‌های که در تحلیل تاریخ سیاسی اجتماعی اهل بیت باید مورد بررسی قرار بگیرند، سه خلیفه‌ای است که بعد از رحلت رسول اکرم حاکمیت اسلامی را به دست گرفتند. توضیح مطلب اینکه از نظر شهید صدر تجربه اسلامی (بروز عینی و واقعی رسالت اسلامی که باید در بیرون به تحقق برسد) بر سه رکن «رهبر»، «سازمانی برگرفته از شریعت اسلامی» و «عرصه‌ای برای این سازمان (امت)» استوار است. این سه عصر با هم نقش پرورش انسان مطلوب الهی را به عهده دارند. (صدر، ۱۴۰۰، ص ۱۵۱) سنگ بنای این سه عنصر با بعثت حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله به عنوان رهبر معصوم گذاشته شد و تا رحلت آن حضرت ساختار اولیه تجربه اسلامی شکل گرفت؛ اما این ساختار دوام نیاورد و به تدریج فروریخت. از آنجاکه رهبر و حاکم، رکن اصلی این ساختار است باید علت ویرانی را در حاکمان جستجو کرد. تصمیم اشتباه و عجولانه‌ای که در سقیفه گرفته شد و مسلمانان در قبال آن سکوت کردند، صرف قرار دادن ابوبکر به جای علی علیه السلام نبود؛ بلکه اولین گام در انهدام تجربه اسلامی بود؛ چون رهبر رکن اصلی ساختار اسلامی است. اینجاست که شخصیت‌شناسی خلفای سه‌گانه اهمیت پیدا می‌کند.

شهید صدر در تحلیل شخصیت خلفای سه‌گانه می‌گوید حتی اگر بر اساس دیدگاه و باورهای اهل سنت به شخصیت‌شناسی خلفای سه‌گانه بپردازیم به وضوح روشن است که آنان معصوم نبودند و در معرض اشتباه و کج‌روی قرار داشتند. از طرفی امت به عنوان یک مجموعه در آن هنگام در سطح عصمت نبود که مانع انحراف حاکمان شود.^۱

^۱ شهید صدر معتقد است که اگر حاکمیت اسلامی بعد از رحلت نبی مکرم اسلام به دست معصوم می‌افتاد و مسیر درست خودش را طی میکرد، امت به تدریج سمت عصمت پرورش میافت. (صدر، ۱۳۹۴، ص ۱۵۴)

الامه بوصفها المجموعی لیست معصومه ولا یمکن أن تكون الضمان:

الامه لم تكن في مستوى العصمة وقتئذ؛ كما أن أبا بكر - بوصفه الفردی - لم يكن معصوما، كذلك الامه بوصفها المجموعی لم تكن معصومه.

من الممكن أن الامه تبلغ [درجة] العصمة خلال تربية طوبله الأمد. لو أن رسول الله والأئمة الاثني عشر قد توالوا على امه واحدة ومارسوا عملية التربية، كان من الجائز أن تبلغ الامه بوصفها المجموعی مستوى العصمة وتصبح معصومه، بحيث لا تحتاج بعد هذا إلى قائد معصوم، بل هي تحكم نفسها بنفسها؛ لأنها بوصفها المجموعی تكون معصومه.

هذا أمر جائز عقلا، ولكنه بعد وفاة رسول الله (صلى الله عليه وآله) مباشرة؛ الامه - بوصفها المجموعی - لم تكن على مستوى العصمة، والدليل على هذا يأتي إن شاء الله في الأيام الآتية، يعني في الملحقات الآتية «۱»

شاید این نکته به ذهن خطور کند که بررسی کارنامه خلفا نشان می‌دهد که عملکردهای مشت زیادی در دوره خود داشتند، مانند اینکه خلیفه دوم در اجرای عدالت حد را بر فرزند خود جاری کرد. (صدر، ۱۴۰۰، ص ۳۳۵) در پاسخ باید گفت که خلیفه اول و دوم در برهه‌ای از زمان قرار داشتند که هنوز هیجان دوره نبوی در امت وجود داشت و خلیفه اول و دوم هم از این قاعده استثنا نبود. هنوز ارزش‌های اسلامی در بین امت جایگاه خود را داشت؛ اما این ارزش‌های اسلامی همان گونه که در جامعه‌شناسی عصر نبوی توضیح خواهیم داد، فقط در سطح هیجان بود و تبدیل به باور عمیق نشده بود. بررسی تاریخ خلفا نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد تصمیم‌های خلفا بر اساس همان تربیت و باورهای دوره جاهلیت بوده که هنوز در وجود امت ریشه داشت که شهید صدر در این زمینه به جریان سقیفه اشاره می‌کند (دینوری، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۲۵؛ مقریزی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۱، ص ۱۰۱) که به نبوت به مثابه سلطنت نگاه می‌کردند؛ در روز سقیفه خلیفه دوم گفت: «من ینازعنا سلطان محمد و میراثه و نحن اولیاءه و عشیرته؛ چه کسی بر سر سلطنت محمد با ما نزاع می‌کند و حال آنکه ما از عشیره و قبیله او هستیم؟» (صدر، ص ۱۷۹ تا ۱۸۳؛ ۲۰۸ تا ۲۱۸)

این نگرش بیانگر تهنشست‌های دوره جاهلیت است که خود را به نمایش گذاشته و گاه در زندگی اجتماعی و سیاسی‌شان بازتاب می‌یافته است. (شرف‌الدین، ۱۳۲۶ ق، ص ۷۷، ۱۲۵، ۱۶۲) شهید صدر تأکید می‌کند این نوع تحلیل شخصیت‌شناسی از خلفا با همان قرائت و نگاه خوش‌بینانه اهل سنت از خلفا سازگار است؛ به این معنا که خلفا مانند بسیاری از صحابه انسان‌های نیکوکاری بودند؛ اما بیشتر عمر آنان در دوره جاهلیت سپری شده بود و با وجود عواطف و هیجانی که نسبت به ارزش‌های اسلامی داشتند، هنوز بن‌مایه‌های باورهای جاهلیت در آنان وجود داشت. (صدر، ۱۴۰۰، ص ۲۱۰)

خلفای اموی

دومین موردی که باید در تحلیل تاریخ سیاسی اجتماعی اهل بیت بررسی شود، شخصیت‌شناسی خلفای بنی‌امیه است. خلافت بنی‌امیه با آغاز حکومت معاویه (ح ۴۱-۶۰ ق) در ۴۱ قمری آغاز شد و در ۱۳۲ قمری با شکست مروان بن محمد (ح ۱۲۷-۱۳۲ ق) به پایان رسید. در این سال‌ها ۱۴ خلیفه بر ممالک اسلامی حکم راندند که شخصیت‌شناسی آنان در پیچه‌های مبهم را به روی ما می‌گشاید تا تجزیه و تحلیل دقیقی از عملکرد آنان و تأثیر آن بر امت اسلامی داشته باشیم که گام مهم و اساسی در شناخت رسالت سیاسی اجتماعی اهل بیت در این دوران است.

شهید صدر در تحلیل تاریخ امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام به شخصیت‌شناسی معاویه می‌پردازد و دوران معاویه را به دو دوره قبل و بعد از جنگ صفین و صلح امام حسن تقسیم می‌کند و معتقد است که در واکاوی و بررسی سیره سیاسی و اجتماعی امام علی علیه السلام و امام حسن مجتبی علیه السلام باید شخصیت معاویه در شرایط و بافت (Context) دوره قبل از جنگ صفین و صلح امام حسن علیه السلام تحلیل گردد. (همان، ص ۳۳۳)

بنابراین، شخصیت‌شناسی افراد شاخصی که در دوران امام معصوم می‌زیسته، زمینه برداشت و تحلیل درست از سیره ائمه علیهم السلام را فراهم می‌کند. در اینجا به دو نمونه اشاره شد؛ اما شهید صدر علاوه بر شخصیت‌شناسی افرادی که از لحاظ جهان‌بینی در مقابل امام معصوم علیه السلام قرار داشتند، به شخصیت‌شناسی اصحاب و یاران امامان معصوم نیز پرداخته است.

گام دوم: جامعه‌شناسی دوران معصوم علیه السلام

دومین گام در تحلیل تاریخ سیاسی اجتماعی اهل بیت جامعه‌شناسی دوران معصوم است. شناخت جامعه‌ای که معصومان در آن دوره می‌زیستند، نقش مهمی در تحلیل درست و منطقی از عملکرد آنان دارد. از مطالعه آثار شهید صدر در حوزه اهل بیت پژوهی به دست می‌آید که وی دوران معصومان را از لحاظ جامعه‌شناسی به شش دوره تقسیم نموده‌اند.

دوره شکل‌گیری نیروی هیجان در امت اسلامی

نخستین دوره‌ای که باید با دقت مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد، عصر نبوی و دوره‌ای است که رسول اکرم صلی علیه و آله از مکه به مدینه مهاجرت کردند و با ایجاد یک حاکمیت دینی، جامعه‌ای به نام مدینه النبی تشکیل دادند که قابل مقایسه با هیچ دوره‌ای نیست. شهید صدر معتقد است که امروز در تاریخ بشر نمونه‌ای را سراغ نداریم که در نیروی اراده، شجاعت و بی‌باکی، ایمان و بردباری، ایثار و فداکاری و... به درجه‌ای رسیده باشد که امت اسلام، هنگام درگذشت رسول خدا صلی علیه و آله بدان رسیده بود؛ (صدر، ۱۴۰۰ ص ۱۶۷ و ۱۶۸) اما آنچه شهید صدر روی آن تأکید می‌ورزد این است که منشأ کنش‌ها و تحولات درونی امت اسلامی «نیروی هیجان» بود نه «آگاهی عمیق». آگاهی عمیق عبارت است از فهمی سازنده، ریشه‌دار از آموزه‌های اسلام که نگرش و جهان‌بینی آدمی بر اساس آن شکل گرفته باشد. فهمی که ریشه‌های مفاهیم جاهلی پیشین را به طور کامل برمی‌کند و همه بخش‌های وجود انسان را دگرگون می‌کند؛ اما نیروی هیجانی این‌گونه نیست؛ بلکه یک نوع برافروختگی عاطفی و پرحرارتی درونی است که منشأ بسیاری از رفتارهای انسان می‌باشد. (همان، ص ۱۶۸ و ۱۶۹) شهید صدر

در توضیح این مطلب به تفاوت نیروی هیجانی با آگاهی اشاره می‌کند:

۱. **کاهش نیروی هیجانی با دور شدن از کانون خود:** خاصیت نیروی هیجانی به‌گونه‌ای است که بافاصله گرفتن و دور شدن از کانون نیرو، هیجان آن کاهش می‌یابد. کانونی که نیروی هیجانی را در امت اسلام دمید، نبی مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی صلی علیه و آله بود. دقت در جریان‌ها و اتفاقات دوران حیات رسول اکرم صلی علیه و آله و اتفاقات بعد از حیات آن حضرت این ادعا را روشن می‌سازد که نیروی هیجانی امت اسلامی بعد از رسول کرم صلی علیه و آله روند کاهشی به خود گرفت؛ همچون حالت کسی که از نیروی حرارتی خورشید یا آتش بهره‌مند است و سپس از خورشید یا آتش دور می‌شود و این فاصله گرفتن سبب کاهش نیروی حرارتی می‌شود. برخلاف نیروی هیجانی، آگاهی با گذر زمان عمیق‌تر و ریشه‌های آن مستحکم می‌گردد.

۲. **متزلزل بودن نیروی هیجانی:** تفاوت دوم نیروی هیجانی با آگاهی در این است که نیروی هیجانی استحکامی ندارد و هنگام بروز حوادث پایه‌های آن متزلزل می‌گردد، در نتیجه حقیقت باطنی و پنهان شخص را هویدا می‌سازد. برخلاف نیروی هیجانی، آگاهی در کوران حوادث مستحکم است؛ چراکه ریشه‌های آن در ژرفای نفس انسان پایدار است. (صدر، ۱۴۲۵ ق، ص ۷۲)

شهید صدر با استناد به وقایع متعدد تاریخی (ابن هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۹۹؛ ابن سعد، ۱۹۹۰ م، ج ۲، ص ۱۱۷) - مانند تقسیم غنائم در جنگ حنین و... - بر متزلزل بودن نیروی هیجانی عصر نبوی تأکید می‌کند و می‌افزاید که شکل‌گیری آگاهی ژرف در امت زمان گسترده‌تری را می‌طلبد که در عصر پیامبر صلی علیه و آله فراهم نشد و اگر حاکمیت اسلامی از پیامبر به امامان معصوم: منتقل می‌شد، این آگاهی در امت اسلامی تحقق پیدا می‌کرد. (صدر، ۱۴۰۰، ص ۱۷۰ تا ۱۷۵)

بنابراین، از تحلیل جامعه‌شناسانه‌ای که شهید صدر از عصر نبوی ارائه می‌دهد، به دست می‌آید که مهم‌ترین شاخصه امت اسلامی در آن دوره این است که بر اساس نیروی هیجانی تربیت یافته بود. این نیروی هیجانی از تابش مستقیم پیامبر گرامی نشئت می‌گرفت. امتی که با کامل‌ترین رهبر بشریت زیست و در پی تابش چنین رهبری درجه‌ای کلان از نیروی هیجانی را به دست آورد. این درجه کلان از نیروی هیجانی معجزه‌هایی آفرید و قهرمانی‌هایی به جا گذاشت و فداکاری‌هایی ساخت که همانند آن در تاریخ بشر بسیار کم‌سابقه است. نکته مهمی که باید به آن توجه نمود، این است که نیروی هیجانی با همه آثار مثبتی که داشت و حماسه‌هایی که آفرید، یک

لایه رویینی برای منشأ رفتارها و کنش‌های مثبت در آن دوره بود؛ اما زیر این لایه هنوز ریشه باورهای دوران جاهلیت مستحکم بود و در وقایع و رخداد‌های مختلف این باورها خود را نشان می‌داد که بعد از رحلت رسول اکرم صلی علیه و آله بیشتر نمایان شد.

دوره افول نیروی هیجانی و روییدن بذر انحراف

بعد از رحلت رسول اکرم صلی علیه و آله، شاهد افول نیروی هیجانی و روییدن بذر انحراف در جامعه اسلامی هستیم. عکس‌العمل امت اسلامی نسبت به تصمیم سقیفه یکی از نشانه‌های است که می‌توان گفت ارزش‌های اسلامی در عمق و جان مسلمانان نفوذ نکرده بود. جامعه آن دوره تصمیم سقیفه را فقط یکی جابه‌جایی ساده تلقی می‌کردند و آن‌قدر رشد نیافته بودند که پیامدهای آن و عمق فاجعه را درک کنند. از نظر آنان حضرت علی با سایر صحابه از جایگاه مساوی برخوردار بود.

اکثر قریب به اتفاق امت اسلامی دوره خلفا چنان نیروی هیجانی داشتند که به درجه جهاد و مرگ در راه خدا می‌رسید. در این رابطه شهید صدر به سعد بن عباده خَزْرَجی اشاره می‌کند که در پیمان عقبه با پیامبر صلی علیه و آله، از نُقبای دوازده‌گانه شد و پرچم‌دار انصار و مشاور پیامبر صلی علیه و آله در جنگ احزاب بود و در غزوه‌های متعددی در کنار آن حضرت حضور داشت. او با چنین کارنامه درخشانی بدون هیچ اشاره‌ای به ولایت حضرت علی، کاندیدای خلافت اسلامی می‌شود. (طبری، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۱۸) این عملکرد بیانگر نوع نگرش و تفکر حاکم بر جامعه آن دوره بود که هنوز ایمان در لایه‌های وجود آنان نفوذ نکرده بود تا ریشه تفکر جاهلیت در آنان خشکانده شود و تصمیماتشان در امور بنیادی اسلام از روی بصیرت و آگاهی دینی باشد. (صدر، ۱۴۰۰، ص ۲۳۸)

بن‌مایه‌های دوران جاهلیت بعد از رحلت رسول اکرم صلی علیه و آله تقویت شد و به‌تدریج در جامعه اسلامی خصوصاً در نگرش نخبگان و حاکمان رشد کرد و باعث انحراف تجربه اسلامی از مسیر اصلی خود گردید. این انحراف از دوره خلیفه اول آغاز شد و رشد آن در دوره خلیفه اول و دوم برای امت محسوس نبود؛ چون در قالب دینی ارائه می‌شد. به‌عنوان مثال خلیفه دوم ساختار طبقاتی در جامعه اسلامی برپا کرد که در آن خویشاوندان و نزدیکان پیامبر صلی علیه و آله و کسانی که سابقه بیشتری در اسلام داشتند، سهم زیادتری از بیت‌المال داشتند. این‌گونه تصمیمات حکومتی با اینکه مبنای دینی نداشت؛ اما در قالب پوشش دینی ارائه می‌شد؛ لذا برای جامعه آن دوره، غیردینی بودن آن ملموس نبود و امت بدون توجه به پیامدهای این ساختار طبقاتی آن را پذیرفت. ساختار طبقاتی که در زمان خلیفه دوم شکل گرفت در دوره خلیفه سوم هم

با شدت بیشتری تداوم یافت؛ رویکرد خلیفه دوم از سوی جامعه اسلامی به راحتی پذیرفته شد؛ چراکه رویکرد او در قالب خدمت به اسلام بود و برای جامعه اسلامی طبیعی بود که سهم بستگان و خویشاوندان رسول خدا صلی علیه و آله از بیت‌المال بیشتر از عموم مردم، بدریون بیشتر از احدیون، مهاجرین بیشتر از انصار و... باشد؛ اما ساختار طبقاتی خلیفه سوم بر اساس قوم و عشیره خودش بود. (صدر، ۱۴۰۰، ص ۱۹۳ تا ۱۹۵) شهید صدر معتقد است که جوهره انحراف در هر دو رویکرد یکی است، عثمان چیزی به جوهره این انحراف نیفزود؛ بلکه فقط عشیره خودش را با عشیره پیامبر جایگزین کرد، با این تفاوت که کج‌روی و انحراف عثمان آشکار شده بود؛ ولی کج‌روی و انحراف خلیفه اول و دوم زیر نقاب بود، به گونه‌ای که با ایمان هیجانی امت پیوند خورده بود؛ اما کج‌روی عثمان مصالح امت را به چالش کشید و مصالحه محسوس امت را تهدید می‌کرد. (همان، ص ۲۵۸)

دوره رشد انحراف و پیدایش شک و تردید

سومین دوره‌ای که شهید صدر با نگاه جامعه‌شناسی به آن می‌پردازد؛ دوره حکومت امام علی علیه‌السلام و امام حسن مجتبی علیه‌السلام است که از آن به دوره «پیدایش شک و تردید» تعبیر می‌کند. هنگامی که امام علی علیه‌السلام حکومت را به دست گرفت، ذهنیت عمومی جامعه اسلامی - به استثنای شام - به گونه‌ای بود که انحرافات و غیردینی بودن اموری که در سطح حاکمیت و سبک زندگی جامعه اسلامی رواج یافته بود را به وضوح درک می‌کردند. در چنین وضعیتی نگاه آنان به حضرت علی علیه‌السلام به گونه‌ای بود که او را همان خلیفه درستکاری می‌دیدند که می‌خواهد از اسلام و خط قرآن کریم محافظت کند. این ذهنیت مرهون اتمام و مجاهدت‌های امیرمؤمنان علی علیه‌السلام بود که توانست به جنگ با معاویه معنا و ماهیتی رسالتی ببخشد. نبرد حضرت علی علیه‌السلام در ابتدا به این گونه تفسیر می‌شد که آن را کارزار میان دو رویکرد، دو اندیشه و دو هدف می‌دیدند نه میان دو شخص و دو رهبر؛ اما این ذهنیت و وضعیت امت دوام نیافت و کم‌کم شک و تردید در جامعه رخنه کرد (همان، ص ۳۳۰) که در آن دیگر از نگاه ارزشی به اصلاحات امیرالمؤمنین خبری نبود. اکثریت قاطع جامعه تردید داشتند که آیا این اصلاحات و جنگ‌ها ماهیت دینی دارد یا پوششی است برای نزاع و کشمکش‌هایی که در ریشه در دوران جاهلیت دارد؛ نزاع خانواده هاشم در برابر امیه، محمد در برابر ابوسفیان و علی در برابر معاویه. این شک در دوره امام علی علیه‌السلام پدیدار شد و در زمان امام حسن مجتبی علیه‌السلام فراگیر شد. (صدر ۱۴۰۰، ص ۳۹۳)

دوره مرگ اراده در امت اسلامی

با صلح امام حسن مجتبی علیه السلام با معاویه، ماهیت اصلی حکومت بنی امیه و خاندان ابوسفیان برملا شد. عملکرد معاویه به عنوان حاکم جامعه اسلامی پرده‌های شک و تردید را از دیدگان امت کنار زد. دیگر مسلمانان در درستی سیره سیاسی و اجتماعی امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام شک نداشتند. در این دوره امت جامعه اسلامی به تجربه امام علی علیه السلام همچون الگویی والا برای حکومت اسلامی می‌نگرند و با شعارهای امام علی به عنوان شعارهای قرآن زندگی می‌کردند.

شهید صدر با تحلیل این دوره - که مصادف با عصر امام حسین علیه السلام است - معتقد است که با پایان بیماری شک و تردید، جامعه گرفتار بیماری دیگری به نام بیماری «مرگ اراده» شده بود. در این دوره دیگر از ارزش‌هایی مانند شهادت، ایثار و فداکاری و... خبری نبود. به عنوان مثال هنگامی امام حسین علیه السلام بیعت با یزید را رد کرد، سران و بزرگان جامعه اسلامی راهکاری‌هایی را برای او پیشنهاد می‌کردند که زنده بماند، فرهنگ زنده ماندن به هر قیمتی و دوری از امر به معروف و نهی از منکر در جامعه حاکم شده بود. رفتار عرقیان با فرستادگان امام حسین علیه السلام و قرار گرفتن در مقابل آن حضرت، نمونه آشکاری از مرگ اراده در بین جامعه اسلامی است. (همان، ص ۴۹۸ تا ۵۱۶) جامعه‌ای که در دوران رسول اکرم صلی الله علیه و آله حاضر بودند، برای حفظ ارزش‌های سلامی جان خود را فدا کنند. در این دوره حاضرند برای حفظ جان و مال خود، اصول و ارزش‌های اسلامی را نابود کنند.

۵. دوره شکل‌گیری زمینه مرجعیت علمی امامان

بعد از واقعه عاشورا و شهادت امام حسین علیه السلام انگیزه جهاد و مبارزه با انحرافات جان تازه‌ای به خود گرفت و اعتماد جامعه اسلامی به سمت خاندان نبوت و ائمه اطهار: جلب شد. (صدر، ۱۴۰۰، ص ۵۶۷ تا ۶۰۳) سیره امام سجاد علیه السلام نشان می‌دهد که پایگاه‌های مردمی ایشان در جامعه اسلامی گسترش یافته بود و برخورد محترمانه حاجیان خانه خدا نسبت به ایشان مؤید این مطلب است. (أبو الفرج الإصفهانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲۱، ص ۲۴۶؛ ابن جوزی، ۱۴۱۸ ق، ص ۲۹۶) همین وضعیت را نسبت امام محمدباقر علیه السلام نیز مشاهده می‌کنیم، چنان‌که در موسم حج می‌بینیم از هر سو نزد ایشان می‌آمدند و از امام فتوا می‌خواستند. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۶، ص ۲۳۳ تا ۲۸۶)

آنچه از متون دینی و تاریخی برمی‌آید، بیانگر این است که پیشوایی مردمی و مرجعیت علمی امام فراتر از مرزبندی‌ها و دسته‌بندی‌های مرسوم بوده است. در این دوره امام باقر علیه السلام



شکل ۲. جامعه شناسی دوران معصومان

گام سوم: کشف رسالت مشترک ائمه اطهار:

سومین گام در تحلیل تاریخ سیاسی اجتماعی اهل بیت علیهم السلام «کشف رسالت مشترک ائمه اطهار علیهم السلام» است. شهید صدر معتقد است که کشف رسالت مشترک امامان معصوم: معیاری برای تحلیل درست از تفاوت‌ها و تناقض‌های ظاهری سیره امامان است. توضیح مطلب اینکه با کشف نمونه‌های مشترک در رسالت ائمه اطهار علیهم السلام مشخص می‌شود که تفاوت‌ها در سیره امامان علیهم السلام تعبیرهایی گوناگون از حقیقتی یگانه هستند. شهید صدر در تبیین رسالت مشترک امامان به سیره امیر مؤمنان علی علیه السلام، امام حسین علیه السلام و امام محمد باقر علیه السلام اشاره می‌کند که در دوره‌های مختلف در یک خط سیر



می‌کردند. (صدر، ۱۳۹۴، ص ۱۲۱) (شکل ۳)

شکل ۳. رسالت مشترک ائمه اطهار علیهم السلام

بر اساس رویکرد کل‌نگر به تاریخ و سیره امامان علیهم‌السلام این سه فعالیت - که در سه نسل انجام شده - بیانگر برنامه پیوسته‌ای است که هر بخشش، بخش دیگر را کامل می‌سازد و هدف آن حفظ تواتر روایات اثبات امامت ائمه اطهار علیهم‌السلام در گذر نسل‌ها به سطحی از روشنی و شهرت است که دسیسه‌های پنهان و آشکار را به چالش بکشد. (همان) رسیدن به این نتیجه در گرو «گام اول: شخصیت‌شناسی معصوم علیه‌السلام و افراد شاخص هم‌دوره با معصوم علیه‌السلام» و «گام دوم: جامعه‌شناسی عصر معصوم علیه‌السلام» است. با در نظر گرفتن این دو گام روشن می‌شود که تفاوت‌ها و تناقض‌ها در سیره امامان برخاسته از تفاوت شرایط و ملزوماتی بوده که امام در آن دوره می‌زیسته و نسبت به امام دیگر متمایز بوده است.

در گام دوم به تفاوت‌های جامعه‌شناختی در قالب شش دوره اشاره شد که شاخصه دوره دوم، سوم و چهارم «رشد انحراف در امت اسلامی» بود. شاخصه دوره پنجم «پذیرش مرجعیت علمی امامان» و شاخصه دوره ششم «شکل‌گیری و رشد تفکر مرجعیت سیاسی امامان» است؛ بنابراین از لحاظ جامعه‌شناسی دوره امامان، ما با سه دوره «رشد انحراف در امت اسلامی»، «پذیرش مرجعیت علمی امامان» و «شکل‌گیری و رشد تفکر مرجعیت سیاسی امامان» مواجه هستیم؛ شهید صدر بر اساس این سه دوره جامعه اسلامی، رسالت امامان را در قالب سه مرحله تبیین می‌کند:

۱. مرحله مصون‌سازی در برابر آسیب انحراف: بذر انحرافی که بعد از رحلت رسول اکرم کاشته شد، به شدت در حال رشدی بود که منجر به فروپاشی تجربه اسلامی می‌شد و جریان‌هایی هم - که منافع خود را در این انحراف و کج‌روی می‌دیدند - به شدت به رشد و فراگیر شدن این انحراف دامن می‌زدند. سیره سیاسی و اجتماعی چهار امام نخست (امام علی علیه‌السلام امام حسن علیه‌السلام امام حسین علیه‌السلام و امام سجاد علیه‌السلام) نشان می‌دهد که رسالت اصلی آنان در این دوره بر مصون‌سازی و حفاظت از تجربه اسلامی در برابر آسیب کژروی تمرکز یافت و به بهترین شکل پایه‌ها و مبانی اسلام در امت اسلامی را حفظ کردند. (صدر، ۱۳۹۴، ص ۱۳۸ و ۱۳۹) امام سجاد علیه‌السلام با توجه به این دستاورد ائمه اطهار علیهم‌السلام در پاسخ شخصی که پرسید چه کسی در کربلا پیروز شد؟ فرمودند: «زمانی که وقت نماز شد، اذان و اقامه بگو»^۱ آنگاه پیروز را می‌شناسی. (طوسی، ۱۴۱۴ ق، ص ۶۷۷) هنگام

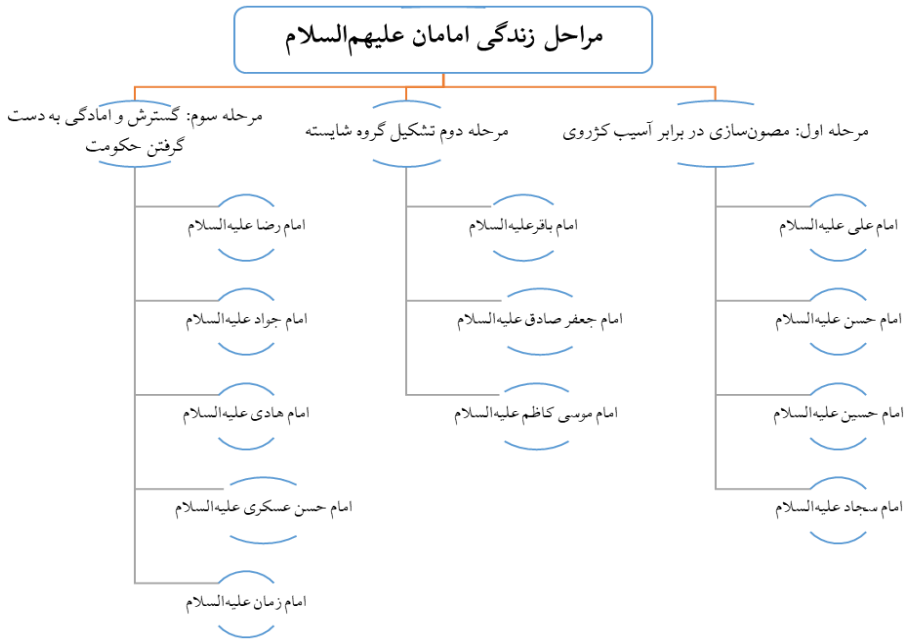
۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: لَمَّا قَدِمَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) وَ قَدْ قُتِلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا) اسْتَقْبَلَهُ إِبرَاهِيمُ بْنُ طَلْحَةَ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ، وَ قَالَ: يَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، مَنْ غَلَبَ وَ هُوَ مَغْطَى رَأْسِهِ، وَ هُوَ فِي الْمَحْمِلِ. قَالَ: فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تُعَلَّمَ مَنْ غَلَبَ، وَ دَخَلَ وَقْتُ

گفتن اذان و اقامه است که می‌توان فهمید که غلبه کننده، پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او هستند.

۲. مرحله تشکیل گروه شایسته: مرحله دوم از نیمه‌های دوره امام سجاد علیه‌السلام آغاز شد و به تدریج در دوره امام محمدباقر علیه‌السلام امام جعفر صادق علیه‌السلام و امام کاظم: به اوج خود رسید. در دوره قبل ائمه اطهار علیهم‌السلام طرح‌های لازم را به انجام رساندند و از ساخت ضمانت‌های اساسی در برابر آسیب کثروی فارغ شدند و از طرف دیگر در این دوره اعتماد جامعه اسلامی به سمت خاندان نبوت و ائمه اطهار: به عنوان مرجع علمی جلب شده بود و زمینه تربیت گروه ویژه فراهم بود؛ لذا رسالت ائمه اطهار علیهم‌السلام در این دوره بر «تشکیل گروه شایسته» تمرکز یافت؛ تشکیل گروهی که به پیشوایی اهل بیت علیهم‌السلام ایمان راسخ داشته باشند و مفهومی را که ائمه اطهار علیهم‌السلام از اسلام ارائه می‌کردند، با تمام ابعادش درک کنند. البته این به آن معنا نیست که عملکرد نخست که مشخصه اصلی مرحله نخست بود، به پایان رسیده باشد؛ بلکه عملکرد نخست نیز هم چنان ادامه داشت؛ اما از آنجاکه در پی تلاش‌ها و فداکاری‌های چهار امام اول در راستای حفظ اسلام از خطر آسیب کثروی کاسته شده بود، در این دوره امامان علیهم‌السلام بیشتر به تربیت گروه شایسته پرداختند. (همان، ص ۱۳۹ و ۱۴۰)

۳. مرحله گسترش و آمادگی برای به دست گرفتن حکومت در پی رسالت منسجم و یکپارچه ائمه اطهار علیهم‌السلام، گروهی که در مرحله نخست بذرش نهاده شد و در مرحله دوم روید و رشد کرد، در این دوره به چنان درجه‌ای از گستردگی، رشد و نفوذ فکری رسید که دیگر برای حکومت‌های کجرو جامعه اسلامی در آن دوره خطری حقیقی به شمار می‌رفت و حاکمان آن دوره دریافتند که رهبری اهل بیت به سطحی رسیده که می‌تواند زمام حکومت را در دست گرفته جامعه اسلامی را به عرصه اسلام حقیقی بازگرداند. از این رو از دوره امام کاظم علیه‌السلام واکنش خلفا در برابر امامان به‌طور اساسی تغییر کرد. این مرحله از اواخر دوره امام کاظم آغاز شد و در زمان امام رضا علیه‌السلام اوج گرفت. (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۳۸۲ تا ۳۸۴)

(شکل ۴)



شکل ۴. مراحل زندگی امامان علیهم‌السلام

گام چهارم: استنباط و ارائه الگوی عملی

چهارمین گام در تحلیل تاریخ سیاسی اجتماعی اهل بیت «استنباط و ارائه الگوی عملی» از سیره اهل بیت علیهم‌السلام برای دوره معاصر است. شهید صدر هنگامی که به تحلیل سیره و تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام می‌پرداخت، در پایان مباحث خود به صورت مختصر وارد این گام می‌شد و از مجموع مباحث خود نکاتی برای دوره معاصر بیان می‌کرد. (صدر، ۱۴۰۰ ص ۲۹۲ و ۳۶۸ و ۴۹۲ و ۵۱۷) به عنوان مثال پس از بررسی تاریخ امام علی علیه‌السلام «معیار ارزش‌گذاری فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی» را از سیره آن حضرت استنباط و به عنوان یک الگوی ارزشمند - برای کسانی که در عرصه مختلف اجتماعی فعالیت می‌کنند - ارائه می‌نمود. بر اساس جهان‌بینی مادی معیار ارزش‌گذاری فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی «مقبولیت عموم جامعه» است. افراد که این طرز تفکر بر آنان حاکم است، ارزش فعالیت‌های خود را با پذیرش و مقبولیت عموم جامعه می‌سنجند. به میزانی که فعالیت این گونه افراد از مقبولیت عموم برخوردار باشد، انگیزه آنان بیشتر می‌شود و خود را موفق می‌دانند. این رویکردی است که از تفکر مادی نشئت می‌گیرد. اگر با این تفکر عملکرد امام علی علیه‌السلام سنجیده شود، او انسان موفقی نخواهد بود؛ چون

جامعه دوران او، نه تنها از عملکرد فعالیت‌هایش حمایت نکرد؛ بلکه سال‌ها بر سر منبرها او را نفرین می‌کردند؛ اما نگاه امام علی علیه‌السلام متفاوت بود. او با اینکه نوع نگاه مردم نسبت به عملکرد و فعالیت‌های خود را می‌دانست؛ باز با اطمینان کامل در آخر عمر می‌گوید: «فُرْتُ وَ رَبِّ الْكُعبَةِ» ۱ (ابن شهر آشوب، ج ۲ ص ۱۱۹) این نگرش با نگرش نخست بسیار متفاوت است در این نگرش معیار ارزش‌گذاری جامعه و آحاد مردم نیست؛ بلکه خداوند سبحان است؛ این نگرش نیروی در وجود انسان شعله‌ور می‌کند که قابل‌مقایسه با معیارهای مادی نیست. (صدر، ۱۴۰۰، ص ۲۹۳)

الگوی دیگری که شهید صدر از سیره امامان ارائه می‌دهد الگویی است که در رابطه با «فرایند تغییر در منش ناهنجار در جامعه» با استفاده از سیره امام حسین علیه‌السلام است. (همان، ص ۵۲۱ تا ۵۴۰)

این چهار گام، روشی است که از آثار شهید صدر در رابطه با تاریخ اهل‌بیت: به دست می‌آید و می‌تواند راهنمای برای پژوهشگرانی که علاقه به تاریخ اهل‌بیت: دارند، باشد.

نتیجه

از بررسی آثار شهید صدر که به موضوع تاریخ اهل‌بیت پرداخته به دست می‌آید که وی مدارک اسلامی را مورد بازخوانی نوآورانه قرار داده و با ژرف‌اندیشی در شرایط اجتماعی، سیاسی و حتی روحی و روانی امت اسلام، به تبیین نظام‌مند و علمی از مراحل گوناگون زندگانی معصومان علیهم‌السلام پرداخت و رویکرد نوین به تاریخ اهل‌بیت علیهم‌السلام را ارائه نمود. شهید صدر با تتبع و تحقیق آثار مورخان موثق تلاش نموده بخش‌های مختلف تاریخ اهل‌بیت را بررسی کند و شاخصه‌ها، جلوه‌ها و نقش‌های مشترک و هماهنگ اهل‌بیت را استنباط و در دیدگاهی کل‌نگر ارائه دهد؛ به‌گونه‌ای که همه تاریخ اهل‌بیت را به‌عنوان یک کل به هم پیوسته ببیند و جزئیات متفرق و به‌ظاهر ناهماهنگ را در ذیل خودش معنادار و منسجم سازد. این رویکرد، صرفاً کنار هم قرار دادن حوادث تاریخی نیست؛ بلکه حوادث تاریخی کنار هم چیده شده را به‌گونه‌ای واکاوی و تحلیل می‌کند که رویکرد کل‌نگر نسبت به سیره و تاریخ اهل‌بیت را به‌گونه معقول و منطقی ارائه می‌دهد تا پژوهشگر بتواند بر اساس آن بخش‌های ناهویدا، ناگفته‌های تاریخ و ارتباط حوادث با هم را کشف کند و از دل این رویکرد قواعد کلی‌ای را استخراج کند تا جایگاه و نقش الگویی ائمه اطهار علیهم‌السلام برای امروز ما روشن شود. مهم‌ترین دستاورد در رویکرد کل‌نگر «ارائه تصویر ایجابی از سیره سیاسی و اجتماعی امامان علیهم‌السلام» است.

روش شهید صدر در تحلیل تاریخ سیاسی و اجتماعی اهل‌بیت علیهم‌السلام از

مطالعه آثار شهید صدر به دست می‌آید که روش وی در تحلیل تاریخ اهل‌بیت علیهم‌السلام تمرکز روی چهار گام بوده است.

- ❖ اولین گام در تحلیل تاریخ سیاسی اجتماعی اهل‌بیت علیهم‌السلام شخصیت‌شناسی معصوم و افراد شاخصی است که با معصوم هم‌عصر بوده‌اند. تا شخصیت معصوم و نوع تفکری او و افرادی که در آن دوره می‌زیسته‌اند را شناسیم، نمی‌توانیم تحلیل درستی از عملکرد آنان داشته باشیم.
- ❖ دومین گام در تحلیل تاریخ سیاسی اجتماعی اهل‌بیت جامعه‌شناسی دوران معصوم است. شناخت جامعه‌ای که معصومان در آن دوره می‌زیستند، نقش مهمی در تحلیل درست و منطقی از عملکرد آنان دارد. از تتبع در آثار شهید صدر در حوزه اهل‌بیت‌پژوهی به دست می‌آید که وی دوران معصومان را از لحاظ جامعه‌شناسی به شش دوره «شکل‌گیری نیروی هیجان در امت اسلامی»، «افول نیروی هیجانی و رویدن بذر انحراف»، «رشد انحراف و پیدایش شک و تردید»، «مرگ اراده در امت

اسلامی»، «دوره شکل‌گیری زمینه مرجعیت علمی امامان» و «دوره شکل‌گیری و رشد تفکر مرجعیت سیاسی امامان» تقسیم نموده‌اند.

❖ سومین گام در تحلیل تاریخ سیاسی اجتماعی اهل بیت علیهم السلام «کشف رسالت مشترک ائمه اطهار علیهم السلام» است. شهید صدر معتقد

گام سوم:

کشف رسالت مشترک ائمه
اطهار علیهم السلام

سیره امامان علیهم السلام

گام دوم:

جامعه‌شناسی دوران معصوم

مشترک امامان معصومین

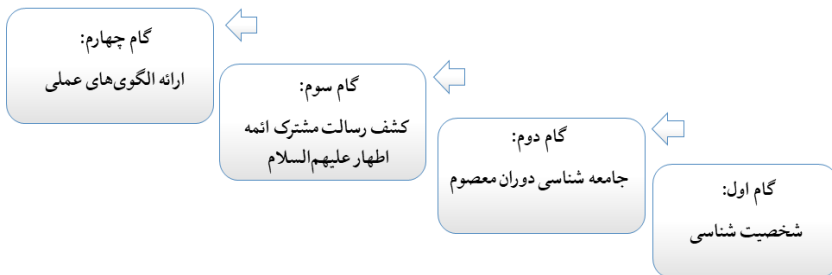
گام اول:

شخصیت‌شناسی

تاریخ سیاسی اجتماعی اهل بیت «استنباط و ارائه الگوی

عملی» از سیره اهل بیت برای دوره معاصر است. (شکل ۵)

شکل ۵. روش شهید صدر در تحلیل تاریخ سیاسی و اجتماعی اهل بیت علیهم السلام



منابع

- ۱) ابن اثیر، علی بن محمد (۱۴۰۹ ق)، اسد الغابة فی معرفة الصحابه، بیروت: دار الفکر.
- ۲) ابن حجر هیتمی، احمد بن محمد (۱۴۱۷ ق) الصواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والزندقة، المحقق: عبد الرحمن بن عبد الله الترمذی، کامل محمد الخراط، بیروت: مؤسسه الرساله.
- ۳) ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۰۸ ق)، تاریخ ابن خلدون، تحقیق خلیل شحاده، چ ۲ بیروت: دارالفکر.
- ۴) ابن سعد، محمد بن سعد، (۱۹۹۰ م) الطبقات الكبرى، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ۵) ابن سعد، محمد بن سعد، (۱۹۹۰ م) الطبقات الكبرى، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ۶) ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ ق)، تحف العقول، چ ۲، قم: جامعه مدرسین.
- ۷) ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹)، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم: علامه
- ۸) ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ ق)، مناقب آل ابی طالب علیه السلام، مصحح: آشتیانی، محمدحسین و رسولی، هاشم، قم: علامه.
- ۹) ابن عبد ربّه، احمد بن محمد (۱۴۰۷ ق)، العقد الفريد، تصحیح: قمیحه، مفید محمد و ترحینی، عبدالمجید، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ۱۰) ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵ ق)، تاریخ مدینه دمشق، تصحیح: علی شیری، بیروت: دار الفکر.
- ۱۱) ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ ق)، البدايه و النهايه، بیروت: دارالفکر.
- ۱۲) ابن هشام، عبد الملك بن هشام (بی تا)، السیره النبویه، بیروت: دار المعرفة.
- ۱۳) ابن هشام، عبد الملك بن هشام (بی تا)، السیره النبویه، بیروت: دار المعرفة.
- ۱۴) ابن جوزی، یوسف بن قزواغلی (۱۴۱۸ ق)، تذکره الخواص، قم: شریف رضی.
- ۱۵) ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۳۹۸ ق)، البدايه و النهايه، بیروت: دار الفکر.
- ۱۶) أبو الفرج الإصفهانی، علی بن الحسین (۱۴۱۵ ق) الأغانی، بیروت: دار إحياء التراث العربی
- ۱۷) امیری طهرانی زاده، سید محمدرضا، افروغ، عماد (بهار ۱۳۹۳)، «نقد روش شناسی اقتصاد اسلامی شهید صدر از دیدگاه واقع گرایی انتقادی»، مجله روش شناسی علوم انسانی، شماره ۷۸.
- ۱۸) بیهقی، ابراهیم بن محمد (۱۴۲۰ ق)، المحاسن و المساوی، تلخیص: علی، عدنان،

بیروت: دار الکتب العلمیة.

- ۱۹) پارسانیا، حمید، (پاییز و زمستان ۱۳۸۸) «روش شناسی علوم انسانی با رویکرد اسلامی» مجله عیار پژوهش در علوم انسانی، شماره ۲ (از ۳۹ تا ۵۴)
- ۲۰) پور فرد، مسعود (زمستان ۱۳۸۷)، «مبانی و مبادی اندیشه سیاسی شهید صدر»، مجله حکومت اسلامی، شماره ۵۰
- ۲۱) توکلی، محمدجواد، (پاییز و زمستان ۱۳۹۵) «تمایز روش شناسی مکتب و علم اقتصاد اسلامی با تاکید بر اندیشه شهید صدر»، مجله عیار پژوهش در علوم انسانی، شماره ۱۴.
- ۲۲) جمشیدی، محمد حسین، ایران نژاد، ابراهیم (تابستان ۱۳۹۱)، «نظریه انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی شهید صدر»، مجله مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲۹.
- ۲۳) حمدانی، طالب (۱۳۹۵)، نظریه سیاسی شهید سید محمدباقر صدر، ترجمه اسماء خواجهزاده، قم: کتاب فردا.
- ۲۴) خوارزمی، الموفق بن احمد البکری المکی الحنفی (۱۴۱۱ق)، المناقب، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- ۲۵) الدمیری، محمد بن موسی بن عیسی بن علی (۱۴۲۴ق)، حیاة الحیوان الکبری، بیروت: دار الکتب العلمیة
- ۲۶) دینوری، ابن قتیبہ، (۱۴۱۰ق) الإمامة و السياسة، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالأضواء.
- ۲۷) رضوی، سید عباس، (۱۳۷۶)، تاریخ در نگاه شهید صدر، حوزه، شماره ۷۹ و ۸۰.
- ۲۸) زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۲ق)، ربیع الأبرار و نصوص الأخبار، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- ۲۹) ساروخانی، باقر (۱۳۷۵)، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵.
- ۳۰) سید منذر حکیم (۱۳۹۹)، جامعه ما: در اندیشه و آثار شهید سید محمدباقر صدر (ره)، ترجمه مسعود فکری، تهران: سروش.
- ۳۱) شرف الدین، عبدالحسین (۱۳۸۴) النص و الإجتهد، قم: دارالمورخ العربی
- ۳۲) شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۳۷۹)، نهج البلاغة، ترجمه محمد دشتی، قم: مشهور.
- ۳۳) صدر، سید محمدباقر (۱۴۳۴ق)، موسوعة الإمام الشهيد السيد محمدباقر الصدر قدس سره، ج ۲، قم: دار الصدر.
- ۳۴) صدر، سید محمدباقر (۱۳۷۹)، الإسلام يقود الحياة المدرسة الإسلامية رسالتنا، قم: مرکز

الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.

(۳۵) صدر، سید محمدباقر (۱۳۹۴)، امامان اهل بیت علیهم السلام مرزبانان حریم اسلام، ترجمه

رضا ناظمیان، حسام حاج مومن، چ ۲، قم: دارالصدر

(۳۶) صدر، سید محمدباقر (۱۴۲۲ ق)، الفتاوی الواضحة، قم: مرکز الأبحاث و الدراسات

التخصصية للشهيد الصدر.

(۳۷) صدر، سید محمدباقر (۱۴۲۵ ق)، أئمة اهل البيت و دورهم فی تحصين الرسالة الإسلامية،

قم: مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.

(۳۸) ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۴)، «متدولوژی حقوق بین الملل»، مجله پژوهش حقوق و

سیاست، ش ۱۵ و ۱۶.

(۳۹) طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ ق) الاحتجاج، گردآورنده: محمدباقر موسوی خراسان،

مشهد مقدس: المرتضى.

(۴۰) طبری، محمد بن جریر (بی تا) تاریخ الطبری: تاریخ الأمم و الملوك، تصحیح و تنظیم

محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: بی نا.

(۴۱) طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ق)، الأمالی قم: دار الثقافة

(۴۲) عاملی، احمد عبدالله (۱۴۲۸ ق)، محمد باقر الصدر السيرة و المسيرة فی حقائق و وثائق،

بیروت: مؤسسة العارف للمطبوعات.

(۴۳) قاسمی اصل، محمدجواد (تابستان ۱۳۹۹)، «روش‌شناسی استنادات شهید صدر در

اقتصادنا» مجله: روش‌شناسی علوم انسانی، - شماره ۱۰۳.

(۴۴) کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، الکافی، چ ۴، تهران: الإسلامية.

(۴۵) کلانتری، عبدالحسین، مهدی زاده، منصوره، (پاییز و زمستان ۱۳۹۱) بررسی مسئله

اجتماعی از دیدگاه شهید محمدباقر صدر»، مجله نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان،

شماره ۳.

(۴۶) مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة

الأطهار، چ ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

(۴۷) مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، دایرة المعارف الامام الشهيد السيد محمد باقر

الصدر قدس سره الاصدار الثاني، ۱۳۹۵

(۴۸) مسعودی، أبو الحسن علی بن حسین (۱۴۰۹ ق)، مروج الذهب و معادن الجوهر، تحقیق

اسعد داغر، قم: دارالهجرة.

- ۴۹) معرفی محمدی، عبد الحمید (پاییز و زمستان ۱۳۹۳)، «روش شناسی شهید صدر در اقتصاد اسلامی از نگاهی دیگر»، مجله معرفت اقتصاد اسلامی، شماره ۱۱.
- ۵۰) مقریزی، تقی الدین أحمد بن علی (۱۴۲۰ ق)، إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع، تحقیق محمد عبد الحمید النمیسی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ۵۱) نظری، حسن آقا، (زمستان ۱۳۸۸) «روش شناسی شهید صدر درباره شکل گیری علم اقتصاد و تحقیق نهایی درباره آن» مجله: روش شناسی علوم انسانی، شماره ۶۱.
- ۵۲) نظری، حسن آقا، خطیبی، مهدی (بهار و تابستان ۱۳۹۲)، «روش شناسی فقه نظریات اقتصادی از منظر شهید صدر»، مجله معرفت اقتصاد اسلامی، شماره ۸.
- ۵۳) یوسف زاده، حسن، نظری، محمدعلی (بهار و تابستان ۱۳۹۴)، «مقایسه روش شناسی شهید صدر و ایزوتسوپژوهش نامه علوم انسانی اسلامی، شماره ۳.